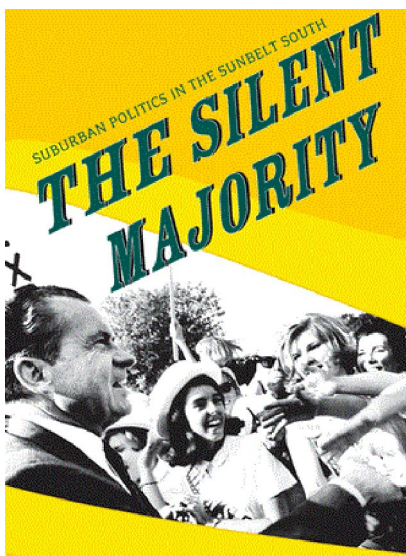


## اکثریت خاموش (Silent majority)

مرتضی بیکی، زمستان ۱۳۹۵  
مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان قم

اکثریت خاموش، جمعی از افراد یک کشور یا گروه است که نظرات خود را بطور علنی اظهار نمی‌کنند ولی گاه به میدان می‌آیند و زمام امور را فرد خاصی می‌دهند. این عبارت اولین بار توسط ریچارد نیکسون بکار رفت: «ای اکثریت خاموش آمریکایی‌ها، اینک حمایت شما را می‌جویم!». منظور او افرادی بود که به تظاهرات بزرگ ضد جنگ ویتنام نپیوسته و در گفتمان آن روز وارد نشده بودند. نیکسون این گروه را که به ظاهر تحت تأثیر «اقلیت حرفزن» قرار داشتند در سخنرانی معروف ۱۹۷۲ خود تحت تأثیر قرار داد و رای ۵۰ درصدی خود را به یکباره به ۸۱ درصد ترقی داد و رئیس جمهور شد تا بتواند آمریکا را با توانی تازه به جنگ ویتنام ترغیب سازد. فراموش‌شدگان یا اکثریت خاموش آمریکا شامل افرادی است که راحت هستند، خانه دارند، خانواده دارند، بخوبی تغذیه می‌شوند و در واقع افراد طبقه متوسط جامعه هستند ولی آرزو دارند بیشتر داشته باشند و حس می‌کنند زندگی آنها توسط افرادی که کمتر دارند مورد تهدید قرار دارد. دونالد ترامپ نیز در انتخابات ۲۰۱۶ با توسل به همین افراد به میدان آمد.



عبارت «اکثریت خاموش» (Silent majority) در سال ۱۹۱۹ در کمپین نامزدی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا توسط «وارن هاردینگ» بکار رفت. در قرن نوزدهم این عبارت برای مردگان بکار میرفت. در آن هنگام همه باور داشتند که تعداد افراد موجود در کره زمین کمتر از تعداد مردگان تاریخ است. در سال ۲۰۱۱ به ازای هر انسان زنده، ۱۴ نفر در تاریخ فوت کرده بودند و لذا رقم آنها در مقایسه با زندگان اکثریت بود. در این دوره عباراتی از قبیل «رفتن به دنیای بهتر» یا «پیوستن به اکثریت خاموش» نوعی حسن تعبیر از مردگان بود. در سال ۱۹۰۲ «جان مارشال هارلان» قاضی دادگاه عالی قضایی آمریکا این عبارت را بکار برد و گفت: «کاپیتان‌های بزرگ در هر دو جبهه جنگ‌های داخلی مدت‌ها است به اکثریت خاموش پیوسته‌اند. آنها از خود خاطره شجاعت‌های بی‌مانندی را به یادگار گذاشته‌اند».

### رای‌دهندگان

در سال ۱۸۳۱ عبارت اکثریت خاموش توسط «چرچیل کامبرلنگ» نماینده ایالت نیویورک در مجلس کنگره و قبل از ۴۰۰ عضو «انجمن تامانی نیویورک» بکار برده شد. کامبرلنگ در برابر مخاطبین خود در مورد یکی از لوایح دولت فدرال صحبت می‌کرد که بدون بررسی کامل کنگره نمایندگان رد شده بود. اکثریت خاموش کامبرلنگ اشاره به نمایندگانی داشت که به عنوان یک بلوک سیاسی رأی داده بودند. در سال ۱۸۸۳ نویسنده ناشناسی که خود را آلمانی معرفی می‌کرد، یادداشتی درباره «لئون گامبتا» دولتمدار فرانسوی در جنگ‌های فرانسه و پروس نوشت. این

نوشته در فصل‌نامه انگلیسی «مرور معاصر» بازتاب یافت. نویسنده در توصیف محافظه‌کاران فرانسوی در سال ۱۸۷۰ اظهار داشته است که اشتباه آنها نه در جذابیت آنها برای کشور بلکه در جذابیت یک حکومت مطلقه به جای جمهور مردم است. به گفته نویسنده، حامیان این گروه دوم، اکثریت خاموش مردم هستند.

## نیکسون

در سال ۱۹۵۵ نیکسون در مقام معاون رئیس جمهور (آیزنهاور) خدمت می‌کرد که «جان اف کندی» و دستیاران او کتاب «نمایه شجاعت» را نوشته و در آن یادآور شده بودند که «برخی از آنها مبین احساسات واقعی اکثریت خاموش رأی‌دهندگان در مخالفت با سر و صدای یک اقلیت حرفزن است...». در ژانویه ۱۹۵۶ کندی نسخه‌ای از کتاب را به نیکسون داد. روز بعد نیکسون یادداشتی برای وی نوشت تا از او تشکر کند: «وقت من برای خواندن محدود است ولی کتاب شما در لیست اولین کتاب‌هایی است که خواهم خواند. در فکر آنم که آن را با میل فراوان بخوانم». نیکسون در پاسخ به کتاب کندی و بعد از ظهور کندی در کاخ سفید در آوریل ۱۹۶۱، بر شش بحران انگشت گذاشته بود.

در سال ۱۹۶۷ «جرج مینی» رهبر حزب کار اظهار داشت که تمام «اتحادگرایان» (از جمله خودش) که به حمایت از جنگ ویتنام پرداخته بودند، «اکثریت خاموش» وسیع مردم بودند. این جمله باعث شد که نویسندگان سخنرانی‌های نیکسون این عبارت جدید را به خدمت بگیرند. در ماه‌های بعد تا زمان سخنرانی نیکسون در سال ۱۹۶۹، معاون او «اسپیرو آگنیو» در ماه مه گفت: «وقت آن است که اکثریت خاموش آمریکاییان برای حقوق خود به پا خیزند. یادآور می‌شوم که اکثریت آمریکایی شامل تمام اقلیت‌ها و هر اقلیتی در کشور است. اکثریت خاموش آمریکایی‌ها در نتیجه اعتراضات غیرمنطقی عده‌ای، دچار سرگشتگی شده‌اند!؟» اندکی بعد روزنامه‌نگار «تئودور وایت» به بررسی انتخابات سال گذشته پرداخت و نوشت «هرگز رسانه‌های فرهنگی پیشرو، متفکرین دانشگاهی آن و افراد اثرگذار آن این قدر در چم و خم تجربه‌ها و تغییرات نبوده‌اند، ولی در هیچ انتخاباتی توده خاموش مردم خود را بطور کامل از چنین رهبری و تفکری جدا نمی‌کنند. مشکل آقای نیکسون، تفسیری از تفکرات مردم خاموش و اداره کشور به سوی بیراهه و دوری از تفکرات مهمترین متفکرین آن می‌باشد»

سی و پنج سال بعد «پت بوکانن» نویسنده سخنرانی‌های نیکسون در خاطراتی در مورد وی توضیح می‌دهد که چگونه نیکسون به انتخاب این عبارت پرداخت و در سخنرانی‌های خود استفاده کرد: «ما از عبارتی از قبیل آمریکایی فراموش شده و آمریکایی ساکت و عبارات نظیر آن استفاده می‌کردیم. من در یک یادداشت دو بار عبارت اکثریت خاموش را خاطر نشان ساختم. این عبارت توسط نیکسون مورد توجه قرار گرفت و زیر آن خط کشید و در سال ۱۹۶۹ در آن سخنرانی داغ بکار گرفت که مایه اولیه و اصلی انتخاب او به عنوان رئیس جمهور بعدی شد». بوکانن یادآور می‌شود که با اینکه او یادداشت حاوی عبارت مزبور را نوشته ولی نیکسون می‌گوید خودش آن را نوشته است.

از قضا روز قبل از سخنرانی ۳ نوامبر ۱۹۶۹ نیکسون، یک گروه موسیقی آلبوم جدید «ویلی و بچه‌های بدبخت» را منتشر کرد که حاوی ترانه‌ای به نام «افیگی» بود. «جان فوگرتی» نویسنده ترانه چنین سروده بود: «اکثریت خاموش دیگر به سکوت خود ادامه نمی‌دهد». بکارگیری این عبارت چه بسا با الهام از نوشته‌های آگنیو باشد. ترانه مزبور یک تمثیل سیاسی جهت خیزش علیه صاحبان ثروت و قدرت بود که آنها را تحت ظلم قرار داده بودند.

## میراث نیکسون

اکثریت خاموش نیکسون عمدتاً شامل نسل مسن آمریکاییان (سربازان کهنه‌کار جنگ دوم جهانی در سراسر خاک آمریکا) بود ولی شامل جوانان مناطق غرب میانه، غرب و جنوب این کشور نیز می‌شد که در آن زمان در خدمت جنگ ویتنام بودند. اکثریت خاموش شامل سفید پوست‌های یقه آبی (که در سیاست نقش فعالی نداشتند)، رأی‌دهندگان مناطق روستایی و رأی‌دهندگان طبقه متوسط روستایی نیز بود. این گونه افراد اغلب از سیاست محافظه‌کاران حمایت می‌کردند. بقیه البته از نظر سیاسی محافظه‌کار نبودند بلکه از چیزی ناراحت بودند که آن را بی‌احترامی به قانون اساسی آمریکا می‌دانستند.

به گفته «کنت کراوورد» ستون‌نویس، نباید مردان فراموش‌شده نیکسون را با مردان فراموش‌شده روزولت اشتباه گرفت. او اضافه می‌کند: «مردان فراموش‌شده نیکسون، راحت هستند، خانه دارند، خانواده دارند، بخوبی تغذیه می‌شوند و شامل طبقه متوسط جامعه هستند ولی آرزو دارند بیشتر داشته باشند و حس می‌کنند زندگی آنها توسط افرادی که کمتر دارند مورد تهدید قرار دارد»

نیکسون در سخنرانی مشهور خود، استراتژی بین‌المللی «واقع‌گرایی سیاسی» خود را با ایدالیسم اقلیت پرهیاهو مقایسه می‌کند. به نظر او تقاضای اقلیت رادیکال جهت برچیدن دستاوردهای جنگی آمریکا در ویتنام، موجب شکست آمریکا خواهد شد و برای صلح جهانی فاجعه‌بار خواهد بود. نیکسون برای جذب اکثریت خاموش به حمایت متحد مردم برای پایان دادن به جنگ به روشی می‌داند که در آن آمریکا بتواند صلح را ببرد. این سخنرانی بعدها تبدیل به دکترین نیکسون شد: «دفاع از آزادی کار همه و نه فقط آمریکایی‌ها است». بعد از این سخنرانی تعداد آراء نیکسون که در آن لحظه نزدیک ۵۰ درصد بود، یک مرتبه به ۸۱ درصد در کل کشور (۸۶ درصد در مناطق جنوبی) افزایش یافت.

در ژانویه ۱۹۷۰ مجله تایم تصویر یک مرد و زن آمریکایی از طبقه متوسط را پشت جلد خود چاپ کرد و آنها را به جای مرد سال معرفی نمود که مستحق دریافت پاداش مرد سال می‌باشند. صاحب مجله «روی لارسن» نوشت: «حوادث ۱۹۶۹ موجب تعالی افراد گردید. در زمان رواج نفاق و مخالفت، ظهور همین اکثریت خاموش به عنوان یک نیروی قدرتمند اجتماعی در جامعه آمریکا منجر به ایجاد این تحول گردید». او توضیح می‌دهد که چگونه اکثریت خاموش نیکسون را برگزید، او را بالا کشید و بالا در حد کره ماه نشاندا! و چگونه مردم حس می‌کردند که پیش از این ارزش‌های سنتی آنها مورد حمله قرار داشته است.

از زمانی که نیکسون از عبارت اکثریت خاموش استفاده کرد، این تم در میان روزنامه‌نگاران مورد اختلاف قرار گرفت. برخی فکر می‌کردند نیکسون آن را به عنوان بخشی از «استراتژی جنوب» (حمایت از محافظه‌کاران و برده‌داران) برگزیده است. برخی ادعا می‌کردند این عبارت روش کنار گذاردن و بی‌محل کردن اعتراضات آشکار مردم توسط او است بطوری که او می‌کوشد آمریکایی‌های دیگر را ترغیب کند به این اعتراضات گوش ندهند. ماجرا هر چه باشد، نیکسون در سال ۱۹۷۲ در پناه همین اکثریت خاموش، رای ۴۹ ایالت از ۵۰ ایالت این کشور را به دست آورد و در برابر رأی تکه‌تکه شده اپوزیسیون به کاخ سفید رفت بطوری که بیش از ۸۰ درصد طرفداران «جرج والاس» بر خلاف خود او به جای اینکه به «جرج مک‌گاورن» رقیب نیکسون رأی بدهند، به نیکسون رای داده بودند.

استفاده نیکسون از این عبارت در واقع بخشی از استراتژی وی بود تا آمریکا را به دو گروه متضاد قطبی کند. او تاکتیک «تقسیم کن و فتح کن» را برای کمپین‌های سیاسی خود استفاده می‌کرد. در سال ۱۹۷۱ او آگنیو را هدایت کرد تا در مورد قطبی شدن مثبت حوزه‌های انتخاباتی صحبت کند. اکثریت خاموش در اضطراب‌ها و ترس‌های نیکسون شریک بود و آنها به یکسان گمان می‌کردند که در اثر تغییرات جامعه، حالت و وضعیت نرمال از میان رفته است. گروه دیگر مرکب از روشنفکران، جهان‌وطنان و لیبرال‌ها بودند که در آرزوی ادامه زندگی معمولی خود به سر می‌بردند و شعارشان این بود که: «زندگی کن و بگذار من هم زندگی کنم». هر دو این گروه‌ها خود را وطن‌پرست می‌دانستند. قطبی کردن جامعه آمریکا توسط نیکسون تا امروز هم در فضای سیاست آمریکا باقی است. به گفته «فرانک لونتس» ناظر انتخاباتی حزب جمهوریخواه، اکثریت خاموش چیزی جز یکی از برچسب‌های بی‌شمار نیست که به گروه خاصی از رای‌دهندگان داده می‌شود. به گفته او برچسب‌های گذشته که توسط رسانه‌ها بکار می‌رفت بصورت «اکثریت خاموش» دهه ۱۹۶۰، «طبقه میانی فراموش‌شده» دهه ۱۹۷۰، «مردان سفید عصبانی» دهه ۱۹۸۰، «مادران فوتبالیست‌ها» دهه ۱۹۹۰ و «پدران NASCAR» دهه ۲۰۰۰ خود را نشان دادند.

### بعد از نیکسون

در سال ۱۹۷۵ «آنتونیو دو اسپینولا» در کشور پرتغال از این عبارت برای مقابله با نیروهای رادیکال بعد از انقلاب پرتغال استفاده کرد. عبارت اکثریت خاموش در کارزارهای انتخاباتی رونالد ریگان در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و نیز انقلاب جمهوری خواهان در انتخابات ۱۹۹۴ و پیروزی‌های «رودی جولیان» و «مایکل بلومبرگ» هم بکار گرفته شد. این عبارت توسط «جان چارست» نخست وزیر کبک در اعتصابات دانش‌آموزی سال ۲۰۱۲ بکار رفت تا به چیزی اشاره کند که اکثریت رای‌دهندگان کبک به آن فکر می‌کردند. این عبارت همچنین در جریان فراندوم ۲۰۱۴ انگلیس در مورد استقلال اسکاتلند توسط «دیوید کامرون» نخست وزیر انگلستان بکار رفت تا باور خود را در مخالفت با استقلال اسکاتلندی‌ها بیان دارد در حالی که تصدیق می‌کرد آنها به اندازه مردمی که او را حمایت می‌کنند صدای بلندی ندارند.

دونالد ترامپ نیز در جریان کمپین خود در یک سخنرانی در فینیکس آریزونا گفت: «اکثریت خاموش عقب نشسته‌اند و ما داریم دوباره مملکت خود را باز پس می‌گیریم» سپس او از این عبارت بارها و بارها در سخنرانی‌های بعدی خود استفاده کرد و عاقبت به کاخ سفید راه یافت.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Silent\\_majority](https://en.wikipedia.org/wiki/Silent_majority)